نخست‌وزیر عراق امروز در رأس هیأتی به ایران سفر می‌کند

تهران؛ مقصد کلیدی «الزیدی»

گزارش

تهران امروز میزبان علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق است. این سفر در حالی انجام می‌شود که همزمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای، تحولات امنیتی خاورمیانه وارد مرحله‌ای تازه شده است. «الزیدی» که پس از پایان سفر خود به واشنگتن و حضور در دوحه در چارچوب یک سفر منطقه‌ای راهی تهران شده، قرار است با مقامات کشورمان درباره توسعه روابط دوجانبه و همچنین آخرین تحولات سیاسی و امنیتی منطقه گفت‌وگو و رایزنی کند. پس از نقض تفاهم تهران و واشنگتن از سوی آمریکا دور تازه‌ای از تنش میان دو کشور آغاز و با برقراری دوباره محاصره دریایی ایران از ۲۳ تیرماه، وارد مرحله‌ای جدید شد. همزمان، نگرانی کشورهای منطقه از گسترش بحران افزایش یافته و بسیاری از بازیگران منطقه‌ای با دعوت طرف‌های درگیر به خویشتنداری در پی جلوگیری از سرایت بی‌ثباتی به خاورمیانه هستند. در چنین فضایی، سفر نخست‌وزیر عراق به تهران و دیگر پایتخت‌های منطقه را باید در چارچوب تلاش بغداد برای ایفای نقشی فعال‌تر در کاهش تنش‌ها ارزیابی کرد. عراق که طی سال‌های اخیر روابط متوازنی با بازیگران مختلف منطقه و فرامنطقه برقرار کرده است، اکنون می‌کوشد از این ظرفیت برای تقویت گفت‌وگو و مدیریت بحران بهره بگیرد. «حیدر العبودی»، سخنگوی دولت عراق نیز تأکید کرده است که بغداد به دلیل روابط متوازن خود از جایگاه مناسبی برای کمک به کاهش تنش‌های منطقه‌ای برخوردار است و این ظرفیت مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته است.

پیوندهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی

ایران و عراق به عنوان دو همسایه از پیوندهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی عمیقی برخوردارند؛ پیوندهایی که طی سال‌های اخیر در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز گسترش یافته است. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه برای توسعه همکاری‌های دوجانبه، بسیاری از این ظرفیت‌ها همچنان نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی بیشتر میان دو کشور است. «یاسر عبدالزهرا الحجاج»، سفیر جدید عراق در ایران که به تازگی رونوشت استوارنامه خود را به سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه تحویل داده است، در یادداشتی بر چشم‌انداز توسعه روابط دو کشور تأکید و تصریح کرده است: «روابط عراق و ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر پایه میراث تاریخی و پیوندهای عمیق مردمی، رشد و توسعه قابل توجهی داشته است. امروز نیز این روابط ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ورود به مرحله‌ای پیشرفته‌تر دارد؛ مرحله‌ای که بر گسترش مشارکت‌های اقتصادی، تشویق سرمایه‌گذاری، توسعه مبادلات تجاری و تقویت پروژه‌های اتصال، حمل‌ونقل و انرژی استوار بوده و منافع متقابل دو کشور را تأمین کند.»

در چنین فضایی است که مسائل اقتصادی جایگاه مهمی در مذاکرات تهران و بغداد خواهد داشت. در همین راستا سخنگوی دولت عراق در آستانه سفر «الزیدی» به تهران اعلام کرد که موضوع صادرات گاز طبیعی ایران، متناسب با نیازها و منافع عراق، یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای دوجانبه خواهد بود. خبرگزاری شفق‌نیوز عراق نیز با تأیید این موضوع گزارش داد که «تأمین گاز نیروگاه‌های برق عراق از طریق صادرات گاز ایران، از مهم‌ترین پرونده‌های مورد بررسی در دیدارهای الزیدی با مقامات ایرانی خواهد بود.»

این در حالی است که بخش بزرگی از روابط اقتصادی دو کشور در حوزه انرژی است و ایران از مهم‌ترین صادرکنندگان گاز و برق به عراق است. دو کشور در حوزه خدمات فنی و مهندسی، ریلی و ترانزیتی همکاری‌های نزدیکی دارند. اما در همین زمینه ویژگی‌های شخصی و سوابق اجرایی «الزیدی» نیز می‌تواند بر پیگیری و تقویت همکاری‌های اقتصادی مشترک تأثیرگذار باشد. این سیاستمدار جوان عراقی پیش از ورود به عرصه سیاست، سابقه فعالیت در حوزه‌های اقتصادی و بانکی را داشته و به عنوان چهره‌ای با رویکردی عمل‌گرایانه و توسعه‌محور شناخته می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود توسعه همکاری‌های اقتصادی و تسهیل مناسبات تجاری، یکی از محورهای مورد توجه او در رایزنی‌های تهران باشد.

همکاری‌های امنیتی محور مهم رایزنی

با این حال، تحقق اهداف اقتصادی و گسترش مبادلات تجاری، همکاری‌های انرژی و اجرای پروژه‌های مشترک بیش از هر چیز به درک مشترک تهران و بغداد از الزامات امنیت منطقه و تداوم همکاری‌های دو کشور برای کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات در محیط پیرامونی وابسته خواهد بود. چه آنکه تحولات اخیر منطقه، بویژه افزایش حضور نظامی آمریکا در جنوب خلیج فارس و استفاده از خاک برخی کشورهای همسایه برای اقدام علیه ایران، این موضوع را به یکی از اولویت‌های اصلی تهران تبدیل کرده است. این حساسیت، تنها به تحولات میدانی اخیر محدود نمی‌شود. مقام‌های آمریکایی در ماه‌های گذشته بارها از برنامه‌های خود برای افزایش فشار بر ایران سخن گفته‌اند و برخی اظهارات آنها نیز به نقش گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی اشاره کرده است. این گروه‌ها که در بخش‌هایی از مرز ایران و عراق حضور دارند، سال‌هاست یکی از تهدیدات امنیت ملی کشور محسوب می‌شوند و هرگونه بهره‌برداری قدرت‌های متخاصم از این گروهک‌ها علیه ایران می‌تواند امنیت مرزهای مشترک را با مخاطره روبه‌رو کند. بر همین اساس، ایران طی سال‌های گذشته همواره از دولت عراق خواسته است با اعمال حاکمیت کامل بر مناطق مرزی، مانع فعالیت این گروه‌ها و دور شدن آنها از مرزهای مشترک شود. این مطالبه در قالب مجموعه‌ای از رایزنی‌ها و توافقات امنیتی نیز پیگیری شده است که مهم‌ترین نمونه آن، توافق امنیتی تهران و بغداد است که اسفندماه ۱۴۰۱ با امضای دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران و همتای عراقی‌اش به امضا رسید. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود همکاری‌های امنیتی نیز در کنار پرونده‌های سیاسی و اقتصادی، یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای مقامات دو کشور در سفر نخست‌وزیر عراق به تهران باشد؛ زیرا با افزایش تنش‌های منطقه‌ای، حفظ امنیت مرزهای مشترک و جلوگیری از تبدیل خاک کشورهای همسایه به بستری برای تشدید بحران علیه ایران، بیش از هر زمان دیگری به اولویتی مشترک برای تهران و بغداد تبدیل شده است.

> عراق که طی سال‌های اخیر روابط متوازنی با بازیگران مختلف منطقه و فرامنطقه برقرار کرده است، اکنون می‌کوشد از این ظرفیت برای تقویت گفت‌وگو و مدیریت بحران بهره بگیرد. «حیدر العبودی»، سخنگوی دولت عراق نیز تأکید کرده است که بغداد به دلیل روابط متوازن خود از جایگاه مناسبی برای کمک به کاهش تنش‌های منطقه‌ای برخوردار است و این ظرفیت مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته است

یادداشت

روابط تهران و بغداد
راهبردی برای آینده روابط کشورهای خلیج فارس

محمد علی بک
مدیرکل
خلیج فارس
وزارت امور خارجه

در معادلات پیچیده و پرتحول غرب آسیا، کمتر رابطه‌ای را می‌توان یافت که به اندازه مناسبات دو کشور همسایه ایران و عراق از عمق تاریخی، پیوندهای تمدنی و ظرفیت‌های راهبردی برخوردار باشد. روابط دو کشور امروز دیگر صرفاً بر پایه همجواری جغرافیایی تعریف نمی‌شود؛ بلکه بر بستری از اشتراکات سیاسی، فرهنگی، دینی، تاریخی و منافع متقابل استوار است که آن را به یکی از مهم‌ترین ارکان ثبات، امنیت و توسعه منطقه تبدیل کرده است. این دو کشور توانسته‌اند با همکاری و هماهنگی مرزهای خود را به مرزهای دوستی و مراودات اقتصادی و اجتماعی تبدیل نمایند. این واقعیت، زمانی آشکارتر می‌شود که به روند تحولات چند دهه اخیر نگریسته شود. در این سال‌ها، بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هر یک با انگیزه‌ای خاص کوشیدند میان تهران و بغداد فاصله ایجاد کنند. از دامن زدن به اختلافات سیاسی و مذهبی گرفته تا جنگ روانی و عملیات رسانه‌ای، همه با این هدف دنبال شد که این پیوند راهبردی تضعیف شود. اما حاصل این تلاش‌ها برخلاف خواست طراحان آن بود. هر بحران، دو کشور را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت و هر تهدید، ضرورت همکاری‌های گسترده‌تر را آشکارتر کرد. دلیل این پایداری روشن است؛ روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ریشه‌دار، راهبردی و مبتنی بر پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، دینی و منافع مشترک دو ملت است. مبارزه مشترک با تروریسم، همکاری‌های امنیتی، توسعه مناسبات اقتصادی، پیوندهای فرهنگی، حضور میلیون‌ها زائر در آیین باشکوه اربعین حسینی و گسترش همکاری‌های علمی، دانشگاهی و زیرساختی، تنها بخشی از جلوه‌های این شراکت راهبردی است. از همین منظر بود که دولت چهاردهم نیز توسعه روابط با عراق را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. این امر نشان داد که تهران، توسعه روابط با بغداد را نه یک گزینه، بلکه ضرورتی راهبردی برای آینده منطقه می‌داند و بر این باور است که امنیت، توسعه و شکوفایی دو کشور، در گرو همکاری‌های عمیق‌تر و مستمر خواهد بود. نماد دیگر این پیوند عمیق، حضور گسترده مردم و مسئولان عراقی در آیین تشییع و بزرگداشت امام شهید بود؛ حضوری که بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی منطقه یافت و بار دیگر نشان داد سرمایه اصلی روابط ایران و عراق، سرمایه‌ای مردمی و ریشه‌دار است. هنگامی که شخصیت‌های عالی‌رتبه سیاسی، رهبران جریان‌های مختلف و اقشار گوناگون مردم عراق، دوشادوش یکدیگر در این مراسم حضور یافتند، پیام روشنی به جهانیان مخابره شد؛ اینکه روابط دو کشور، فراتر از توافق‌های سیاسی و دولت‌ها، بر پایه احترام متقابل، پیوندهای اعتقادی و همدلی تاریخی استوار است. به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای جلوه‌ای تمام عیار از همدلی، اخوت و هم مرامی بین دوملت ایران و عراق را نشان داد. این حضور پرشکوه، برخاسته از اراده ملت‌هاست و همین پشتوانه مردمی، آن را در برابر فشارها و توطئه‌های خارجی مصون ساخته است. اکنون و در آستانه سفر آقای الزیدی نخست‌وزیر جدید در رأس یک هیأت عالیرتبه سیاسی، اقتصادی و امنیتی به تهران، فرصت تازه‌ای برای گشودن افق‌های جدید همکاری میان دو کشور فراهم آمده است. این سفر می‌تواند حلقه‌ای دیگر در زنجیره تعاملات سازنده تهران و بغداد باشد و مسیر همکاری‌های سیاسی، منطقه‌ای، اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تجارت، انرژی، حمل‌ونقل، توسعه زیرساخت‌های مرزی، همکاری‌های فرهنگی و تسهیل تردد زائران را بیش از گذشته هموار سازد. امید است این سفر راهبردی و دیدار نخست‌وزیر عراق با دکتر پزشکیان منجر به توافق دو طرف بر سر یک توافق راهبردی همه جانبه بین دو کشور شود.

بی‌تردید ظرفیت‌های موجود میان دو کشور بسیار فراتر از سطح کنونی روابط است و تلاش‌های بدخواهان نمی‌تواند این روابط را تحت تأثیر قرار دهد. دو کشور، با تکیه بر جایگاه ژئوپلتیکی، منابع انسانی، ظرفیت‌های اقتصادی و اشتراکات تمدنی، قادرند الگویی موفق از همکاری میان کشورهای منطقه ارائه دهند؛ الگویی که نه بر پایه مداخله قدرت‌های بیرونی، بلکه بر اساس اعتماد متقابل، احترام به حاکمیت ملی و تأمین منافع مشترک شکل گرفته است.

ایران و عراق، با برخورداری از سرمایه‌ای عظیم از اعتماد متقابل و پیوندهای عمیق مردمی، این ظرفیت را دارند که پرچمدار یک همکاری همه جانبه منطقه‌ای باشند. انتظار می‌رود سفر آقای الزیدی به تهران، در امتداد اولین سفر خارجی دکتر مسعود پزشکیان رئیس جمهوری به عراق، فصل تازه‌ای از همکاری‌های راهبردی را رقم زند؛ فصلی که ثمره آن، نه تنها برای دو ملت، بلکه برای امنیت، ثبات و توسعه پایدار سراسر منطقه سودمند و امیدآفرین خواهد بود.

گفت‌وگوی «ایران» با محمدرضا دهشیری
درباره ضرورت حرکت همزمان دیپلماسی و میدان در مدیریت تحولات جاری

پیروزی دیپلماسی، محصول تصمیم‌گیری بموقع است

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- پس از جنگ ۴۰ روزه و نقض یادداشت تفاهم از سوی آمریکا، در روزهای اخیر نشانه‌هایی از افزایش تنش‌های منطقه‌ای دیده می‌شود؛ روندی که این احتمال را تقویت کرده است که درگیری‌های میان ایران و آمریکا، به‌ویژه در جنوب ایران و تنگه هرمز، وارد مرحله‌ای گسترده‌تر شود. در چنین فضایی، دو رویکرد بیش از گذشته در محافل سیاسی و کارشناسی مطرح است.

یک دیدگاه بر این باور است که ایران باید با تکیه بر ظرفیت‌های میدانی، دستاوردهای خود را تقویت کرده و از طریق افزایش فشار بر طرف مقابل، زمینه تأمین حقوق و منافعش را فراهم کند. در مقابل، دیدگاه دیگر معتقد است که در شرایط کنونی، اولویت باید بر تبدیل دستاوردهای میدانی به نتایج سیاسی و دیپلماتیک و همچنین جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر ناشی از ادامه تنش‌ها و درگیری‌ها باشد.

در همین چارچوب، محمدرضا دهشیری، رئیس دانشکده روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اینکه «میدان و دیپلماسی دو روی یک سکه‌اند»، تأکید کرد موفقیت در سیاست خارجی زمانی محقق می‌شود که میان ظرفیت‌های میدانی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و افکارعمومی هماهنگی و هم‌افزایی وجود داشته باشد. او همچنین با اشاره به اهمیت عنصر زمان در دیپلماسی تأکید کرد که مدیریت درست زمان در مذاکرات نقشی تعیین‌کننده در بهره‌برداری از دستاوردهای میدانی دارد و هرگونه تعلل یا شتاب‌زدگی می‌تواند این دستاوردها را تحت تأثیر قرار دهد.

با آغاز جنگ ۴۰ روزه و برقراری آتش‌بس و همچنین تنش‌هایی که پس از نقض تعهدات و تفاهمات از سوی آمریکا ایجاد شد، مشخص شد که امروز میدان و قدرت نظامی به مهم‌ترین ابزار تعیین‌کننده معادلات تبدیل شده است. این در حالی است که ایران در روند تنش‌های نظامی اخیر توانسته موازنه‌ای بازدارنده و پرهزینه برای آمریکا در منطقه ایجاد کند. ارزیابی شما از این شرایط چیست؟

به اعتقاد من، میدان و دیپلماسی نه در تقابل، بلکه در تعامل و هم‌افزایی با یکدیگر قرار دارند. میدان، پشتوانه دیپلماسی است و دیپلماسی نیز دستاوردهای میدان را به دستاوردهای سیاسی تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه در عرصه میدانی حاصل می‌شود، در فرآیند مذاکرات می‌تواند به سرمایه‌ای سیاسی تبدیل شود.

البته پس از جنگ تحمیلی دوم، دو ضلع دیگر نیز به این معادله افزوده شده است؛ یکی رسانه و دیگری خیابان. از این منظر، می‌توان گفت با یک پدیده چهاروجهی مواجه هستیم که در آن میدان، دیپلماسی، رسانه و افکارعمومی، نقش‌های مکمل و درهم‌تنیده‌ای ایفا می‌کنند و موفقیت هر یک تا حد زیادی به هماهنگی با سایر ابعاد وابسته است. در این میان، مسأله روایت‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضروری است در این حوزه همفکری، هماهنگی و همکاری بیشتری میان نهادها و بازیگران مختلف شکل گیرد تا روایت‌های متعارض و متناقض به طرف مقابل مخابره نشود. تأکید مقام رهبری بر وحدت و انسجام میان همه نیروها، ناظر بر همین موضوع است.

بنابراین، همان‌گونه که در عرصه میدان و دیپلماسی باید هماهنگی وجود داشته باشد، در حوزه سیاست اعلامی و روایت‌سازی نیز انسجام و هم‌افزایی ضروری است. این انسجام می‌تواند به شکل‌گیری روایتی مؤثر، منسجم و اقناع‌کننده کمک کند و مانع از آن شود که اختلاف در روایت‌ها، فرآیند بهره‌برداری سیاسی و دیپلماتیک از دستاوردهای میدانی را با اختلال مواجه سازد.

با توجه به تحولات اخیر، به نظر می‌رسد روند درگیری‌ها نسبت به جنگ ۴۰ روزه تفاوت کرده و تنش‌ها به صورت تدریجی و کنترل‌شده در حال افزایش است. آیا این موضوع نشان‌دهنده تغییر الگوی جنگ و حرکت طرفین به سمت یک جنگ فرسایشی مدیریت شده است یا اینکه می‌تواند مقدمه‌ای برای شکل‌گیری یک جنگ فراگیر جدید باشد؟ تحلیل شما از شرایط کنونی چیست؟

در شرایط کنونی هر دو طرف به این جمع‌بندی رسیده‌اند که امکان حذف یا نابودی کامل طرف مقابل وجود ندارد. این واقعیت، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نوع رفتار آنهاست. به عبارت دیگر، آمریکا به این نتیجه رسیده که دستیابی به اهدافی همچون تغییر نظام سیاسی یا تجزیه ایران امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، ایران نیز به دنبال نابودی کامل آمریکا نیست.

در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، تحمیل اراده به طرف مقابل است. برای مثال، در موضوع تنگه هرمز، هدف ایران حفظ و اعمال کنترل مؤثر بر این گذرگاه راهبردی است، در حالی که آمریکا تلاش می‌کند مانع از تثبیت این کنترل شود.

از این منظر، می‌توان روند کنونی را در چارچوب «جنگ اراده‌ها» تحلیل کرد؛ جنگی که در آن هر طرف می‌کوشد با افزایش هزینه‌های طرف مقابل، خواسته‌های خود را پیش ببرد.

ایران در این فرآیند عملکرد موفق‌تری داشته است، زیرا از یک‌سو از مزیت ژئوپلتیکی و موقعیت جغرافیایی خود بهره می‌برد و از سوی دیگر، از مشروعیت لازم برای دفاع از منافع خود برخوردار است. همچنین استفاده از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، امکان واردکردن هزینه و ایجاد فشار بر طرف مقابل را برای ایران فراهم کرده است.

نکته مهم این است که با یک جنگ ترکیبی مواجه هستیم؛ جنگی که صرفاً به عرصه نظامی محدود نمی‌شود. ابعاد رسانه‌ای، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اطلاعاتی و سایبری همگی در کنار یکدیگر بر روند تحولات تأثیر می‌گذارند و هر یک بخشی از معادله را تشکیل می‌دهند. از این رو، هر دو طرف تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از مجموعه این ابزارها، اهداف خود را محقق کنند.

با این حال، تفاوت اصلی در رویکرد ایران و آمریکا این است که آمریکا به دلیل محدودیت‌های زمانی و ملاحظات داخلی و بین‌المللی، تمایل دارد این تقابل هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود؛ در مقابل، ایران تلاش کرده است با مدیریت و چالشی‌تر کردن مسأله، هزینه‌های بیشتری به طرف مقابل تحمیل کند و از این طریق موقعیت خود را در این نبرد اراده‌ها تقویت کند.

در مقطع کنونی، همزمان با تحولات میدانی، شاهد افزایش تحرکات دیپلماتیک نیز هستیم و به نظر می‌رسد دیپلماسی فعالانه در تدارک دور جدیدی از مذاکرات است. به نظر شما در این مقطع ایران صرفاً از فشارهای میدانی برای تغییر رفتار آمریکا استفاده می‌کند یا اینکه راهبرد اصلی، بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های میدان و دیپلماسی است؟ کدام رویکرد می‌تواند مؤثرتر باشد؟

جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه میز مذاکره و دیپلماسی را ترک نکرده است. آنچه در طول سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، این است که آمریکا بارها تعهدات و تفاهمات خود را نقض کرده و از اجرای آنها سر باز زده است. از این رو، حضور ایران در عرصه دیپلماسی به معنای حفظ رویکردی مسئولانه و تأکید بر حل‌وفصل مسائل از مسیرهای سیاسی است.

ایران در عین بهره‌گیری از ظرفیت‌های میدانی، تلاش می‌کند این پیام را نیز منتقل کند که همچنان دیپلماسی را یکی از مسیرهای اصلی پیگیری و تأمین منافع ملی می‌داند. در واقع، جنگ و دیپلماسی دو روی یک سکه‌اند و هر دو در خدمت تأمین منافع ملی قرار دارند. حضور فعال در میدان دیپلماسی با هدف جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر بر کشور، کاهش خسارات احتمالی و بهره‌برداری سیاسی از دستاوردهای موجود دنبال می‌شود. البته این به معنای اعتماد به طرف مقابل نیست. تجربه نشان داده است که آمریکا تاکنون اقدام مؤثری برای اجرای تعهدات پیشین خود انجام نداده و همین مسأله موجب شده سطح اعتماد ایران نسبت به رفتار واشنگتن بسیار محدود باشد.

از این منظر، بهره‌گیری از دیپلماسی در شرایط کنونی بیش از آنکه بر خوش‌بینی به رفتار طرف مقابل استوار باشد، با هدف جلوگیری از تحمیل هزینه‌ها و خسارت‌های بیشتر، تبدیل دستاوردهای میدانی به دستاوردهای سیاسی و تبیین روایت جمهوری اسلامی ایران از تحولات دنبال می‌شود.

در این چارچوب، دیپلماسی علاوه بر کارکرد سیاسی، نقش مهمی در اقناع افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری برداشت‌های نادرست، به‌ویژه در میان کشورهای همسایه ایفا می‌کند تا مواضع و پاسخ‌های ایران به اقدامات آمریکا در چارچوبی روشن و دقیق برای مخاطبان منطقه‌ای تبیین شود.

> آنچه اهمیت دارد، تشخیص زمان مناسب برای بهره‌گیری از دیپلماسی است؛ به گونه‌ای که متناسب با دستاوردهای میدانی، بتوان از ظرفیت‌های دیپلماتیک به شکلی کارآمد و مؤثر برای تأمین و تثبیت منافع ملی استفاده کرد

برخی از کارشناسان معتقدند در محاسبات راهبردی، تصمیمات بهنگام در بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی می‌تواند بخشی از دستاوردهای میدانی را مستهلک کند؟

بله، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در دیپلماسی، مدیریت زمان است. زمان در عرصه دیپلماسی نقشی تعیین‌کننده دارد و هر راهبرد هوشمندانه‌ای باید نسبت به عنصر زمان آگاه و حساس باشد. اگر در مقطعی که باید وارد مذاکره شد، تأخیر صورت گیرد، ممکن است بخشی از فرصت‌ها و دستاوردهای به‌دست‌آمده از بین برود. از سوی دیگر، شتاب‌زدگی و ورود زودهنگام به مذاکرات نیز می‌تواند مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های موجود شود.

بنابراین نه تأخیر مطلوب است و نه تعجیل. آنچه اهمیت دارد، تشخیص زمان مناسب برای بهره‌گیری از دیپلماسی است؛ به گونه‌ای که متناسب با دستاوردهای میدانی، بتوان از ظرفیت‌های دیپلماتیک به شکلی کارآمد و مؤثر برای تأمین و تثبیت منافع ملی استفاده کرد. به بیان دیگر، موفقیت دیپلماسی تا حد زیادی به انتخاب زمان درست برای تبدیل دستاوردهای میدان به دستاوردهای سیاسی وابسته است.